واژه‌نامه توصیفی آموزش

طبقه‌بندی اهداف آموزشی
بخش سوم: حیطه عاطفی

علی‌رضا یوسفی

استفاده از طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی توسط آموزش‌دهندگان، در سطوح مختلف آموزشی، در مقام عمل هم به ایجاد زبان مشترک در بین افراد درگیر در طراحی آموزشی، ارزشیابی آموزش و معلمان کمک می‌کند و هم فراگیران را به سمت هدف‌های آموزشی مورد نظر هدایت می‌کند. در واقع، به جهت‌دارشدن یادگیری فراگیران مساعدت می‌کند. در شماره‌های قبل، نحوه استفاده از طبقه‌بندی هدف‌های آموزشی بلوم، که شایع‌ترین نوع طبقه‌بندی می‌باشد، در حیطه‌های شناختی و روانی و حرکتی، تشریح شد. در این شماره استفاده از این طبقه‌بندی در حیطه عاطفی (Affective Domain) مختصراً توضیح داده می‌شود.

حیطه عاطفی که برخی به آن حیطه نگرشی نیز نام داده‌اند، در واقع از مهم‌ترین انتظاراتی است که از یادگیری فراگیران در هر سطحی از آموزش می‌رود. شاید توضیح مختصری در مورد مفهوم نگرش (Attitude) به درک بیشتر این حیطه یادگیری کمک کند. نگرش‌ها در واقع باورها و اعتقادات زیرساز رفتارهای افراد می‌باشند. نگرش‌ها نشان دهنده تمایل فرد برای عکس‌العمل مثبت و منفی به پدیده‌های پیرامون او اعم از افراد، گروه‌ها، موقعیت‌ها، اشیاء، ارزش‌ها و... می‌باشد.

تعداد محدودی از افراد برای نگرش‌ها، جنبه ذاتی و سرشتی قائل هستند اما علم روانشناسی، عموماً به این تأکید دارد که غالب نگرش‌ها آموخته شده‌اند و با آموزش نیز قابل تغییر می‌باشند. البته واضح است که ایجاد و تغییر نگرش‌ها کاری بسیار دشوارتر از انتقال مفاهیم شناختی و یادگیری آنان توسط فراگیران است.

آدرس مکاتبه. دکتر علی‌رضا یوسفی، مرکز مطالعات و توسعه آموزش پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، اصفهان.
e-mail: aryousefy@edc.mui.ac.ir

به هر حال، توجه به حیطه عاطفی (نگرشی) علی‌رغم اهمیت غیر قابل انکار آن، کمتر مورد توجه جدی واقع شده است و اگر هم در برخی برنامه‌های آموزشی این اهداف ذکر شده‌اند، استراتژی یادگیری و ایجاد آنها و نیز ارزیابی میزان دستیابی به این اهداف، مورد فراموشی واقع شده است.

هدف‌های حیطه عاطفی در تمامی دروس، از پایین‌ترین سطوح آموزش پیش‌دبستانی و دبستانی تا دوره‌های آموزش عالی، ضروری و با اهمیت هستند. برای مثال، در درس ادبیات، پیدایی احساس به میراث فرهنگی و قدردانی از پدیدآورندگان این میراث و تمایل به حفظ این میراث، قدر مسلم هدفی بسیار باارزش است، و یا در آموزش ریاضی، ایجاد این احساس که با ریاضیات می‌توان درک بهتری از پیرامون خود داشته باشیم، بطور حتم هدف والایی است.

تدوین اهداف رفتاری در حیطه عاطفی، بویژه در دروس و رشته‌هایی که دانش‌آموختگان آنها بعداً ارتباطات بین فردی زیادی خواهند داشت، مانند: پزشکان، پرستاران، حقوقدانان، مجریان قانون، معلمان و استادان، شاید از اهمیت بیشتری هم برخوردار باشد.

به هر حال، در نظام‌های آموزشی، به این حیطه از هدف‌های یادگیری توجه کمتری شده است و یا شاید این تصور ناصحیح وجود داشته باشد که این هدف‌ها، بخودی خود محقق می‌شوند و تلاش ویژه و آموزش خاصی برای حصول به آنها ضروری نیست. در طبقه‌بندی بلوم، برای تدوین هدف‌های یادگیری، در این حیطه نیز پنج سطح را در نظر گرفته‌اند.

سطح اول: سطح توجه

این سطح از یادگیری مشتمل بر یادگیری‌هایی است که در اثر افزایش آگاهی، موجب بروز تمایل و یا توجه بیشتر به عوامل خاصی می‌شود. برای مثال، حساسیت نشان دادن به پاکیزگی فردی و اجتماعی برای پیشگیری از بیماری‌ها.

سطح دوم: سطح درگیری

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-13]

در این سطح، فراگیر علاوه بر توجه، نسبت به پدیده‌ها علاقمند می‌شود و عملاً به اقدام در زمینه مورد نظر می‌پردازد. برای مثال، شرکت در مجموعه‌هایی که به آموزش عمومی برای پیشگیری از بیماری‌ها پردازند.

سطح سوم: ارزش‌گذاری

در این سطح از یادگیری حیطه عاطفی، نه تنها توجه و علاقه در رفتار ظاهر می‌شود، بلکه نسبت به موضوع اعتقاد، و نسبت به این ارزش، تعهد نیز پیدا می‌کند. برای مثال، فراگیر شخصاً نسبت به تبلیغ و حمایت از این ارزش می‌پردازد.

سطح چهارم: سازمان‌دهی

در این سطح از یادگیری، فراگیر بنحوی با موضوع و ارزش‌های موضوع یادگیری پیوند می‌خورد که به تنظیم یک نظام ارزشی هدایت‌کننده رفتار می‌پردازد. برای مثال، فراگیر علاوه بر ایمان و اعتقاد و کسب مجموعه‌ای از ارزش‌ها، نسبت به مقایسه ارزش‌های خود با سایر نظام‌های ارزشی می‌پردازد.

سطح پنجم: تبدیل ارزش‌ها به صفات ممیزه فرد (درونی شدن ارزش‌ها)

در این سطح از یادگیری، یک ارزش یا مجموعه‌ای از ارزش‌ها در شخصیت فرد متجلی می‌شود. برای مثال، رفتار فراگیر در تمام مواقع، سمبلی از نظام باورها و اعتقادهای او می‌شود.

تقسیم‌بندی کوچکتری در این حیطه وجود دارد که به صورت سه طبقه، یادگیری‌های حیطه عاطفی را طبقه‌بندی کرده است. کاهش تعداد سطوح، به وضوح بیان اهداف برای دست‌اندرکاران امر آموزش کمک می‌کند.

این طبقه‌بندی سه سطحی، در واقع، از ترکیب سطوح ۲، ۳، ٤ و ٥ طبقه پیش‌گفت ایجاد شده و تفاوت بنیادی با طبقه‌بندی ذکر شده ندارد. این سه سطح عبارتند از:

الف. سطح دریافت یا توجه

ب. سطح واکنش

ج. سطح غریزی‌شدن یا درونی‌شدن

مجدداً ذکر این نکته ضروریست که تدوین هدف‌ها، با استفاده از طبقه‌بندی بلوم، مهارتی است که نیاز به تمرین دارد. ضمن اینکه برای یادگیری این هدف‌ها توسط فراگیران، استادان باید از روش‌های مناسبی استفاده کنند. شور و علاقه معلم نسبت به موضوع تدریس، کاربردی نشان دادن موضوعات و بارز بودن نگرش‌های مورد نظر در رفتار معلم، از جمله این روش‌ها می‌باشد.

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-13]

[Downloaded from ijme.mui.ac.ir on 2026-11-13]